

اقتدار بایسته ستیز با استکبار

مأنده رضایی

سال‌ها به سرداری می‌بالیدیم که پیام‌آور اقتدار ایران اسلامی در منطقه‌ی خاورمیانه بود؛ به مغز متفکری افتخار می‌کردیم که با نقشه‌های نظامی پیروزی آفرین خود رزمندگان ایران را بر حزب بعث عراق و حزب الله لبنان و حماس فلسطین را بر متجاوزان صهیونیست و ارتش سوریه و حشد الشعبی عراق را بر تروریست‌های فریب خورده‌ی داعشی چیره ساخت و لشکر داعش را از کره‌ی خاکی برچید و امنیت را برای کشورهای منطقه به ویژه ایران اسلامی به ارمغان آورد. به دلآوری از ایران زمین احساس غرور می‌کردیم که در طول ۴۰ سال جنگ و مبارزاتش نه تنها به دشمن پشت نکرد، بلکه پردل‌ترین جنگاوران دشمن جرأت رودرو شدن با او را به خود راه نمی‌داد تا این که بار آخر لوله تفنگ خود را به سمت فرمانده‌ی تروریست بین الملل، آمریکای جهان‌خوار، نشانه گرفت و با شهامت پاسخ تهدیدهای او را به ایران اسلامی با عبارات حماسی داد که: «شما بعد از ۲۰۰۱ تا حالا چه غلطی کرده‌اید؟! امروز برای ما خط و نشان می‌کشید؟! ... من حریف شما هستم. من به شما می‌گویم: آقای ترامپ قمار باز، ما در آنجایی که تصور نمی‌کنید کنار شما هستیم. ما ملت امام حسینیم. بیا، ما منتظریم مرد این میدان ما هستیم برای شما! شما می‌دانید این جنگ را شما شروع می‌کنید اما پایانش را ما تعیین می‌کنیم». و اقتدار حسینیان زمان را به رخ استکبار آمریکا کشید. با این رجز خوانی لرزه بر دل سردمداران آمریکا انداخت و در مقابل، ما احساس قدرت کردیم و امنیت خاطر سراسر وجودمان را فراگرفت. ناگاه در روز جمعه که انتظار فرج مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه الشریف و پیروزی سراسری را در آن توقع داشتیم با خبر ناگوار شهادت سردار سلیمانی مواجه شدیم! چون خنجر بر قلبمان فرو آمد و همه در غمش گریستیم!

ترامپ بزدل که می‌دانست نه خود و نه فرماندهان زبده‌اش قدرت جنگ با ایران و رو در رو شدن با دلیر مردانی چون شهید سردار سلیمانی را ندارند، به قصاص قبل از جنایت پرداخت و با نقض قوانین بین‌المللی نیمه شب و در کشور عراق و از راه دور به ترور ناجوانمردانه‌ی دو سردار سپاه اسلام، قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس و همراهانش فرمان داد. آمریکا که در دهه‌های اخیر به دروغ داعیه‌ی جنگ با تروریست را سر می‌داد این بار ترامپ با ترس و اضطراب مسئولیت ترور آن سرداران بزرگ را بر عهده گرفت و بر خلاف خیال خامش که انتظار داشت ملت‌های جهان در برابر این جنایت برایش کف بزنند و سوت بکشند و ملت ایران بی تفاوت از کنار این توحش رد شود، اما با ابراز تنفر از آمریکا و احساسات غم بار ده‌ها میلیونی ایران و صدها هزار نفری مردم عراق و سایر کشورهای منطقه و محکومیت از سوی اکثر دولت‌ها و انتقام سخت سپاه قدس و شکسته شدن هیمنه‌ی پوشالی‌اش در جهان روبه رو شد.

آن مردان خدا به آرزوی دیرینه‌شان، شهادت رسیدند و بر دوش ده‌ها میلیون تن از ملت ایران و عراق در خانه‌ی ابدیشان آرمیدند؛ اما ما مانده‌ایم و ادامه‌ی جنگی که آمریکای تروریست آن را آغاز کرده است. ما باید راه سردار قاسمی را در این کارزار ادامه دهیم و بدین منظور باید چون او پیرو ولایت باشیم و این سخن او را از یاد نبریم که «والله، والله، والله! از مهم‌ترین شئون عاقبت بخیری رابطه‌ی قلبی، یکدلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را

به دست دارد. در قیامت خواهیم دید مهم‌ترین محور محاسبه این است. (mashregnews.ir/news) ولی فقیه زمان، از ما می‌خواهد به شهیدان سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس «به چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه‌ی درس آموز، نگاه کنیم». سپاه قدس را پیام‌آور امنیت داخلی و منطقه و فریادرس ملت‌های ستمدیده‌ی بی‌پناه بدانیم و «به عنوان یک نهاد انسانی و دارای انگیزه‌های بزرگ و روشن انسانی بنگریم». (خطبه‌ی نماز جمعه تهران، ۲۷ دی ۱۳۹۸) تا به ارزش و عظمت شهادت آن سرداران پی ببریم. با این نگاه است که جوانان ما آن دلاوران را الگوی تحقق آرمان‌های الهی و استکبار ستیزی خود قرار خواهند داد و زیر ساخت‌های فکری خود را بر پایه‌ی معرفت توحیدی و اخلاص پی‌ریزی خواهند کرد. در این صورت است که در مبارزه با تروریست و ابر قدرت‌های زورمدار غرب و کفر، مزین به روحیه‌ی جهادی گشته و به میلیون‌ها سلیمانی تبدیل خواهند شد.

بدون شک ستیز با ابر قدرتی که از همه‌ی جنگ افزارهای نرم و سخت و سلطه بر ثروت کشورهای ضعیف برخوردار است، بدون دست یافتن به اقتدار و استقلال در همه‌ی زمینه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، علم و فن آوری عادتاً ناممکن است؛ چنان که مجاهدان صدر اسلام نیز به فرمان خدا ملزم به فراهم نمودن هر نوع آمادگی لازم برای جهاد شدند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال/۶۰) در این راستاست که رهنمودهای قرآنی ولی امر زمانمان تأکید بر این بایسته‌هاست. از ما ملت ایران می‌خواهند تا در تحقق اقتدار سخت کوش باشیم و توصیه می‌کنند که «ملت عزیز ایران باید هم‌تشان این باشد که قوی بشوند. تنها راه در پیش پای ملت ایران عبارت است از قوی شدن؛ باید تلاش کنیم قوی بشویم» (خطبه‌ی نماز جمعه تهران، ۲۷ دی ۱۳۹۸). رهبر امت علی رغم ایمان به اقتدار نظامی کشور آن را کافی نمی‌داند بلکه بر اقتدار در سایر جوانب نیز تأکید می‌کنند: «اقتصاد کشور باید قوی شود، وابستگی به نفت بایستی تمام بشود، نجات پیدا کنیم از وابستگی اقتصادمان به نفت؛ جهش علمی و فناوری باید ادامه پیدا کند» (همان). بدون شک تبدیل ایران به یک کشور مقتدر پشوانه‌ای نیرومند می‌طلبد که از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارت است از: وحدت ملی، هوشیاری سیاسی، سخت کوشی مردم و مسئولان نظام، استقامت و پایداری (همان). در این صورت است که مطابق وعده‌ی الهی «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت/۶۹) دروازه‌های تمدنی مقتدر به روی ملت گشوده خواهد شد و نیروی انسانی و مبارز و رزمندگان مقتدری در جبهه‌های جنگ نرم و سخت برای ستیز با استکبار تربیت خواهند گشت که نه تنها پیروز میدان گردند بلکه «به توفیق الهی، به فضل الهی، ملت ایران در آینده‌ی نه چندان دوری آن‌چنان خواهد شد که دشمنان حتی جرأت تهدید هم پیدا نکنند» (خطبه نماز جمعه تهران، ۲۷ دی ۱۳۹۸).